

Analyzing the verses of the story of Noah based on Searle's speech act theory

(Received: 2023-09-04 Accepted: 2023-11-22)

Sakineh Hosseini¹, Esmail Eslami², Masoud Bavanpouri³

Abstract

One of the theories proposed in the field of applied language science, which is used in discourse analysis and can provide grounds for further understanding of the meaning and interpretation of texts, is the speech act theory. This theory was developed for the first time by Austin and then with the help of his student Searle according to the teachings he learned from linguists. Searle divided speech acts into 5 groups: assertive, directive, commissive, expressive, and declarative, and explained the characteristics of each of these acts. Quranic stories are one of the rich sources of linguistic studies, and by analyzing their linguistic structures and textual contexts, it is possible to examine various types of speech acts. This research tries to analyze the speech act in the field of linguistics using the descriptive method and content analysis, and then, considering the context of the speech, to analyze the types of Searle's classification of speech acts in the verses of Noah's story. Among the important functions of these acts is the detailed explanation of linguistic forms in order to discover the implicit meanings of religious propositions. The findings of the research show that the dominant context of the verses of the story is the type of assertive and expressive acts, these acts mostly seek to express the call to obey God and the divine prophets (peace be upon them), introduce God, describe the world of creation, and the description of Noah's views and states. expression of situations is type (A). One of the implicit meanings of the declaration act is the announcement of the beginning of the mission of Noah (pbuh) and the end of his mission with divine force and the announcement of disbelief in God on the part of unrighteous generations. And one of the indirect meanings of directive act is asking for destruction for the unbelievers.

Keywords: Holy Quran, story of Noah, discourse analysis, speech act theory, Searl.

1) PhD in Arabic Language and Literature, University of Tehran, Farabi Campus, Tehran, Iran. Email: sakinehhosseini@ut.ac.ir

2) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Jiroft branch, Jiroft, Iran. (Author Corresponding The) Email: Es.Eslami1359@iau.ac.ir

3) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Religions and Religions, Qom, Iran. Email: mbavanpouri@yahoo.com



تحلیل آیات داستان نوح (ع) باتکیه بر نظریه کنش‌گفتاری سرل

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱)

سکینه حسینی^۱
اسماعیل اسلامی^۲
مسعود باوان‌پوری^۳

چکیده

یکی از نظریات مطرح در حوزه علم کاربردشناسی زبان که در تحلیل گفتمان کاربرد دارد و می‌تواند زمینه‌های درک بیشتر معنا و تفسیر متون را فراهم آورد، نظریه کنش‌گفتاری است. این نظریه برای نخستین بار توسط آستین و سپس به کمک شاگردش سرل به اقتضای تعالیمی که از زبان شناسان آموخته بود توسعه یافت. سرل کنش‌های گفتاری را به ۵ گروه اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی تقسیم کرد و به بیان ویژگی‌های هر یک از این کنش‌ها پرداخت. داستان‌های قرآنی از منابع غنی مطالعات زبان‌شناسی به شمار می‌روند که با بررسی ساختارهای زبانی و بافت متنی آن‌ها می‌توان به بررسی انواع کنش‌های گفتاری پرداخت. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیل محتوا ابتدا به بررسی کنش‌گفتاری در گستره کاربردشناسی زبان و سپس با توجه به بافت کلام به تحلیل انواع کنش‌های گفتاری سرل در آیات داستان نوح بپردازد. از جمله کارکردهای مهم این کنش‌ها، تبیین دقیق صورت‌های زبانی در جهت کشف معانی ضمنی گزاره‌های دینی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زمینه غالب آیات داستان از نوع کنش‌های اظهاری و عاطفی است، این کنش‌ها بیشتر در پی بیان دعوت به اطاعت از خداوند و انبیای الهی (علیهم السلام)، معرفی خداوند، توصیف عالم خلقت و شرح دیدگاه‌ها و بیان حالات نوح (ع) می‌باشد. از معانی ضمنی کنش اعلامی، اعلام آغاز رسالت نوح (ع) و پایان مأموریت وی با قهر الهی و اعلام عدم ایمان به خدا از طرف نسل‌های غیر صالح است. و از معانی غیر مستقیم کنش‌های ترغیبی، درخواست هلاکت و نابودی برای کافران است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، داستان نوح (ع)، تحلیل گفتمان، نظریه کنش‌گفتاری، سرل.

(۱) دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران. ایمیل: sakinehosseini@ut.ac.ir

(۲) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران (نویسنده مسؤول) ایمیل: Es.Eslami1359@iaua.ac.ir

(۳) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. ایمیل: mbavanpouri@yahoo.com

۱. مقدمه

کنش‌های گفتاری یکی از عناصر اساسی مطرح در حوزه کاربردشناسی زبانند که در تحلیل گفتمان نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. کنش گفتار همواره به تحلیل ناگفته‌ها و معانی و دلالت‌های ضمنی متون ادبی با توجه به ساختارهای زبانی و بافت متنی می‌پردازد. آستین نخستین کسی بود که نظریه کنش گفتاری را مطرح و سپس شاگردش سرل به گسترش و توسعه آن پرداخت. «الگوی سرل در وهله نخست تحقیقات زبان‌شناسی را به چالش‌هایی برای شناسایی مفاهیم اساسی دیدگاه کنش گفتاری برانگیخت. در وهله بعد، این الگو تحقیقات زبان‌شناسی را به چالش‌هایی برای تکمیل نظریه‌ها در ارتباط با ساختارهای کنشی و ساختارهای زبانی و نیز برای تدبیر اصولی که طبق آن‌ها کنش‌های زبانی منفرد به کنش‌های کلی مرکب پیوند داده می‌شود، واداشت» (البرزی، ۱۳۹۲: ۹۱). سرل انواع کنش گفتار را در ۵ طبقه اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی منحصر کرد (میرهاشمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۷). هر یک از این کنش‌ها می‌توانند در معناشناسی و تحلیل گفتمان زبانی متون دینی همچون قرآن کریم، به مخاطب این امکان را بدهد تا ماهیت گزاره‌های متون دینی را به شکلی هدفمند تفسیر نمایند.

داستان‌های پیامبران از جمله متون دینی‌اند که همواره قطعه‌ای از زندگی واقعی انسان را در برهه‌ای از تاریخ نمایان می‌سازند و می‌توانند درس عبرت و الگویی مناسب برای تعالی انسان‌ها در تمام دوران باشند. این داستان‌ها آینه تمام‌نمای مفاهیمی چون سعادت، تربیت، عبادت و هدایت هستند. به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم از این قالب هنری در جهت تکامل بشر بهره گرفته است. نوح (ع) یکی از پیامبران صاحب شریعت است که قرآن کریم ایشان را به عنوان بنده مومن معرفی نموده است (صافات / ۸۱). بنابراین اشاره به سرگذشت زندگی ایشان، بیان سیره، عملکرد و نحوه تعامل ایشان با قومش، الگویی مناسب برای زندگی تمام مردم به شمار می‌رود. در داستان نوح، کنش گفتاری بسیاری از گزاره‌های اخباری و وصفی موارد ذیل است: کفر و ناسپاسی خدا، ایمان به او، قهر و عذاب الهی نسبت به ستمگران، وصف عالم آفرینش، نشانه‌ها و نعمت‌های پروردگار، رعایت تقوا، سرنوشت نسل‌های غیر صالح، اطاعت از پیامبران الهی، کفر سران قوم نوح و... این‌ها بخشی از وصف‌های اخباری در گزاره‌های آیات داستان نوح (ع) است. پس علاوه بر عنایت به بعد وصفی این گزاره‌ها، توجه به کنش گفتاری آنها نیز اهمیت دارد چرا که مخاطب را در درک معنای ثانوی متون یاری می‌رساند.

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی ارائه شواهد و نمونه‌هایی از آیات داستان نوح (ع) در قالب الگوهای کنش گفتاری سرل می‌باشد و سعی شده تا قوی‌ترین شاهد مثال‌های مؤید انواع کنش‌های گفتاری، انتخاب و ارائه شوند. در قسمت نخست پژوهش به تبیین نظریه کنش گفتاری سرل پرداخته شده و در بخش دوم، آن دسته از شاهد مثال‌هایی که

با نظریه سرل هماهنگی بیشتری داشته و میزان کنش‌گفتاری آن‌ها برجسته‌تر بوده انتخاب و سپس بررسی و تحلیل شده‌اند. آیات انتخاب شده چارچوب و تسلسلی منطقی از حوادث و رویدادهای داستان مانند آغاز و پایان رسالت نوح(ع)، سرنوشت قومش، نجات مؤمنان و نبودی کافران را به مخاطب نشان می‌دهند.

۱-۱. سؤالات پژوهش

- ۱- کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در داستان قرآنی نوح(ع) چه مفاهیم و محتوایی را به مخاطب القا می‌کند؟
- ۲- کنش‌های گفتاری سرل چه نقشی در فهم معانی داستان نوح(ع) دارد؟
- ۳- کدام یک از انواع کنش‌های ۵ گانه حضور پررنگ‌تری در داستان دارد؟

۲-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- براساس نظریه سرل این کنش‌ها بیشتر در پی بیان دعوت به اطاعت از خداوند یکتا و انبیای الهی، معرفی خداوند، توصیف عالم خلقت و شرح و بیان حالات نوع (ع) در برابر خداوند و قومش می‌باشد.
- ۲- تبیین و تحلیل دقیق صورت‌ها و ساخت‌های زبانی در جهت کشف لایه‌های پنهان و معانی ضمنی گزاره‌های دینی از جمله کارکردهای مهم کنش‌های سرل می‌باشد.
- ۳- زمینه غالب داستان قرآنی نوح(ع) از نوع کنش‌های اظهاری و عاطفی است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در رابطه با کنش‌گفتار در قرآن کریم انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مقاله «نظریه کنش‌گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، از ابوالفضل ساجدی، مجله قیاسات، سال ۱۳۸۱. بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌گفتارهای دینی نیز می‌توانند کنش‌های متعددی داشته باشند و این گزاره‌ها چند بعدی هستند، و هم‌چنین تحقق کنش‌گفتارهای مورد انتظار از کنش‌گفتارهای انشائی در متون دینی، مستلزم عامل واقع‌نمایی اصل اعتقاد به خدا و قیامت است.

مقاله «الگوی ارتباطی حضرت نوح در قرآن کریم»، از میثم فرخی و دیگران، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ۱۳۹۳. در این پژوهش به الگوی ارتباطی نوح(ع) براساس مدل هایدلر که شامل سه عنصر پیام‌فرست، پیام و مخاطب است اشاره شده و نشان می‌دهد که این مدل در صدد توضیح ارتباطات استراتژیک است که در آن پیام‌فرست درصدد تغییر نگرش و رفتار مخاطب است.

مقاله "تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون براساس نظریه کنش کلامی"، از پیشوایی علوی و دیگران، مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۱۳۹۳. نتایج این تحقیق، کارکردهای هدفمند و پویای زبان قرآن در عرصه کنش‌های کلامی را نشان می‌دهد.

مقاله "بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی و شیوه برخورد مترجمان انگلیسی با آن"، از علی‌اصغر سلطانی و دیگران، مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۵. نتایج این تحقیق که پیکره زبانی آن، آیات قرآنی است نشان می‌دهد که از جملات و پاره‌گفتارهای امری و خبری برای صدور فرمان استفاده شده‌است ولی به‌کارگیری هر کدام، استنباط خاصی دارد.

مقاله "عوامل انسجام متنی در سوره نوح"، از یونس ولیی و دیگران، دو فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۱۳۹۵. در این تحقیق، پژوهشگران عوامل واژگانی، دستوری، و پیوندی را که از ابزارهای آفریننده انسجام متنی هستند در سوره نوح بررسی کرده‌اند و یافته‌ها نشان می‌دهد که عامل واژگانی بیشترین بسامد و بیشترین تأثیر را در منسجم ساختن سوره نوح دارد.

مقاله "کارگفت‌های ترغیبی در قرآن کریم"، از رحیم احمدی و دیگران، مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۱۳۹۷. این پژوهش نشان می‌دهد که کارگفت‌های غیرمستقیم در ترغیب انسان‌ها بیشتر استفاده شده و این نشان‌دهنده چند بعدی بودن و چند معنایی بودن آیات قرآن کریم است.

مقاله "تحلیل متن سوره مریم براساس نظریه کنش‌گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل"، از صحبت‌الله حسنونند، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۱۳۹۸. نتایج حاصل از این پژوهش مبنی بر این است که غالب این کنش‌گفتارها به صورت غیر مستقیم هستند و کنش‌گفتارهای اظهاری، ترغیبی و عاطفی بیشترین بسامد را در این سوره دارند؛ بدین صورت که کنش‌گفتارهای اظهاری به منظور بازخوانی سرگذشت اقوام، کنش‌گفتارهای ترغیبی برای تشویق به سعادت و رستگاری، و کنش‌گفتارهای عاطفی برای بیان حالات روحی به کارگرفته شده‌اند.

مقاله "بررسی نقش راهکارهای گفتمانی مستقیم و غیرمستقیم در ادبیت سوره نوح"، از عباس عرب و دیگران، مجله پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال ۱۳۹۹. این پژوهش تلاشی است برای بررسی و تحلیل نظام زبانی سوره نوح، و یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان حاکم بر سوره نوح نشانگر رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان پیام‌گیر و پیام‌رسان است و راهکار گفتمانی غیر مستقیم که مؤدبانه‌ترین راهکار گفتمانی جهت حفظ اعتبار اجتماعی طرفین گفتگو است بالاترین بسامد را در این سوره دارد.

مقاله "نقش کنش‌های گفتاری و راهبردهای کلام در تبیین آیات داستان موسی (ع)،

مطالعه موردی سوره شعراء"، از راضیه قناعتی و دیگران، مجله علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۴۰۰. این پژوهش به بیان کنش‌ها و راهبردهای کلام و تطبیق آن با مقتضای حال آیات داستان موسی (ع) می‌پردازد و با توجه به بافت آیات به برخی کارگفت‌های مستقیم و غیر مستقیم آیات مورد نظر می‌پردازد.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با کنش‌گفتار در قرآن کریم، می‌توان دریافت که تاکنون درباره آیات داستانی نوح (ع) براساس نظریه کنش‌گفتاری سرل پژوهشی انجام نشده‌است. از آن‌جا که داستان‌های قرآنی از ارزش زبانی بالایی برخوردارند و خود جای بررسی و تحقیق در چارچوب و نظریه‌های مختلف را دارند، بررسی آن‌ها با توجه به الگوی کنش‌گفتاری سرل می‌تواند افق و خوانشی نو از متن را پیش روی پژوهشگران قرار دهد.

۴-۱. بررسی کنش‌گفتاری در گستره کاربردشناسی زبان

نظریه کنش‌گفتاری از مباحث مهم دانش کاربردشناسی است که در تحلیل متون ادبی نقشی مؤثر دارد و همواره زمینه‌های فهم و تحلیل بیشتر متن را فراهم می‌سازد. و سبب می‌شود تا متون به شکلی منسجم‌تر و هدفمندتر معنا و تفسیر شوند. این نظریه توسط افراد مطرحی چون آستین و سرل در حوزه زبان‌شناسی مطرح شد و هر کدام با ارائه الگویی مناسب در جهت توسعه و گسترش این نظریه برآمدند. این نظریه درصدد است تا نقش جملات و دیگر واحدهای زبانی را در فرایند گفتمان مورد بررسی قرار دهد.

هر واحد زبانی می‌تواند با توجه به بافت و موقعیت کلام از معانی متعددی برخوردار باشد. جنبه‌هایی از معنا وجود دارد که صرفاً از معنای کلمه‌های به‌کاررفته در جمله‌ها و عبارت‌ها گرفته نمی‌شوند؛ وقتی که ما نوشته‌ای را می‌خوانیم یا سخنی را می‌شنویم، معمولاً سعی می‌کنیم نه تنها معنای کلمه‌ها را بفهمیم، بلکه چیزی را هم که گوینده یا نویسنده قصد دارد با آن کلمه‌ها را برساند، درک کنیم، مطالعه آن بخش از معنای مقصود گوینده را کاربردشناسی نامیده‌اند (یول، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۴۵). اصل اساسی نظریه کنش‌گفتاری آن است که هیچ مکالمه‌ای در خلأ رخ نمی‌دهد و در تحلیل و تفسیر کنش‌های هر متنی، توجه به بافت و بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیاری دارد. این دیدگاه، مخالف برخی دیدگاه‌های نقد نوین یا ساخت‌گرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند، چنین نگاهی در مطالعه متون دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است (حسینی معصوم و رادمد، ۱۳۹۴: ۱۴۲). کنش‌های گفتاری به مثابه نمایشی از حدث و کارکرد زبان است، و از ویژگی‌های این احداث زبانی آن است که به تولید زنجیره‌ای از حروف و آواهای مخصوص و منحصر به فردی ختم می‌شود؛ که طبق عرف و عادت خاصی از هم تفکیک داده شده‌اند، طوری که با اراده و قصد متکلم همخوانی دارد. افزون بر آن کاری که این اصوات و آواهای زبانی انجام می‌دهند؛ این است که بخشی

از خصائص زبانی را از بخشی دیگر متمایز می‌گردانند (دایک، ۲۰۰۱: ۱۳۰).

در زمینه قواعد کنش زبانی، «سرل ارتباط با زبان را، رفتاری از روی نیت و قاعده‌مند می‌داند، بنابراین ارتباط با زبان به این معناست که با هماهنگی قواعد و ساختارها، کنش‌ها اجرا گردند. وی کنش‌های گفتاری را کوچکترین واحدهای ارتباط زبانی تلقی می‌کند: واحدهای اصلی ارتباط زبانی آن‌گونه که همه تصور می‌کنند، واژه یا جمله، یا نماد واژه و نماد جمله نیست، بلکه تولید یا ساخت نماد، واژه یا جمله در اجرای کنش گفتاری است» (البرزی، ۱۳۹۲: ۸۵). کار و هدف اصلی واحدهای زبانی، چگونگی ایجاد معنا، تولید و بررسی واحدهایی چون (کلمات، عبارات و جملات) است و هریک از این واحدها نیز می‌توانند بر کنشی دلالت داشته باشند. در کاربردشناسی زبان معنای الفاظ و جملات در محیط و موقعیتی که جمله‌های زبان در آن ساخته می‌شوند مورد واکاوی قرار می‌گیرند. پس در بررسی واحدهای زبانی توجه به بافت و موقعیت به عنوان یک عنصر زبانی، مهم و ضروری است.

کنش منظوری هدف دارد و مقاصد گوینده در آن پنهان است. به گفته سرل کنش منظوری زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی خبری می‌دهد، سؤالی مطرح می‌کند، فرمانی می‌دهد، یا گزارشی ارائه می‌دهد، هشدار می‌دهد یا تبریک می‌گوید. کنش تأثیری به مفهوم نتیجه کنش گفتاری و تأثیر آن بر مخاطب است. به عقیده سرل، مهم‌ترین مرحله کنش گفتاری، همان مرحله دوم یا کنش منظوری است و درست به همین دلیل است که در مواردی، به جای کنش گفتاری، عبارت کنش منظوری به کار می‌رود (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۲). براساس نظریه کنش گفتاری سرل، نقش‌های فعل و به دنبال آن جمله را در فرایند گفتمان می‌توان به ۵ دسته کنش‌های گفتاری تقسیم کرد:

- کنش‌های گفتاری تقریری/ اظهاری، هدف از این کنش این است که مسؤولیت صدق بودن خبر بر عهده متکلم است. به عنوان نمونه آیه: ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (صافات / ۸۱) دارای کنش گفتاری اظهاری است، چون گوینده صدق این گفتار را نشان می‌دهد که نوح(ع) به قطع و یقین دارای این ویژگی است.

- کنش‌های گفتاری هدایتگر/ ترغیبی، گوینده با این نوع کنش سعی دارد مخاطب را به انجام کاری سوق دهد. در پاره گفتاری چون این آیه شریفه: ﴿إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾ (نوح / ۲۷) کنش ترغیبی این آیه درخواست نابودی برای کافران است.

- کنش‌های گفتاری تعهدآور، این نوع کنش، کنش‌هایی هستند که متکلم از آن‌ها برای ملزم کردن خود به انجام کاری در آینده استفاده می‌کند. مانند آیه شریفه: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا﴾ (مریم / ۵۹). با توجه به کنش غیر

مستقیم در عبارت "فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا"، گوینده با تهدید و وعده عذاب، تعهد خود را نسبت به انجام عملی در آینده نشان می‌دهد.

- کنش‌های گفتاری احساسی، این نوع کنش‌ها، بیان‌کننده حالات روحی و روانی گوینده می‌باشند. به طور مثال استعمال کلمه "بُنَيَّ" برای افاده دلسوزی و مهربانی است که به آیه کنش عاطفی می‌دهد: ﴿وَوَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْرَلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود/۴۲).

- کنش‌های گفتاری اعلامی، کنش‌هایی هستند که با بیان آن‌ها در جهان خارج تغییراتی واقعی حاصل می‌گردد (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲). مانند آیه ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (عنکبوت/۱۴). کنش اعلامی این آیه به آغاز و پایان مأموریت مهم نوح (ع) اشاره دارد.

سرل با توجه به صریح و ضمنی بودن سخنان، مبحث کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم را پیش می‌کشد؛ اگر مقصود و منظور متکلم از ظاهر سخنان دریافت شود، کنش گفتاری مستقیم بر آن اطلاق می‌شود، اما آن دسته از سخنانی که منظور گوینده از صریح جمله فهمیده نمی‌شود و به تأویل و تفسیر نیاز دارد، کنش گفتاری غیر مستقیم نامیده می‌شود؛ مانند سخنانی که به شکل استعاری یا کنایی بیان می‌شود (نحله، ۲۰۰۶: ۹۸) در کنش‌های گفتاری غیر مستقیم، علاوه بر حفظ کاربرد معنای مستقیم کلام، هدف اصلی گوینده و معنای ثانوی نیز با کمک بافت و سیاق کلام درک می‌شود. کنش غیر مستقیم معمولاً همان پیامی است که گوینده متن، قصد رساندن آن را دارد.

سرل معتقد است که کاربرد نظریه کنش‌گفتاری ما را قادر به درک توانایی‌های زبانی خود می‌سازد (سیرل، ۲۰۰۹: ۲۲۹) از جمله مظاهر اختلاف بین جان سرل و جون آستین، بحث در مورد تأثیر این کنش‌های گفتاری می‌باشد؛ آستین معتقد است که همه این تأثیرات و انفعالات کنش‌ها به متکلم برمی‌گردد. ولی جان سرل بر عکس او، تمام این تأثیرات و کنش‌ها را حاصل تفسیر و تحلیل مخاطب می‌داند. در واقع این مخاطب است که با تحلیل زبان، تیغ زبان را برنده می‌کند و در نتیجه، کنش‌های زبانی مؤثر واقع می‌شود (کاظم صادق، ۲۰۱۵: ۱۳۴). بنابراین، سرل با تقویت پایه‌های نظریه کنش‌گفتار، دیدگاه آستین را نقد کرده‌است، و در دیدگاه سرل «طرح اصلی همه این کنش‌های گفتاری صورت ذهنی و غیر محسوس می‌باشد، که بایستی همه این‌ها، به مرحله ادراک و تأثیرات روحی برسد. همچنین در مرحله‌ای که این کنش‌ها از متکلم یا نویسنده‌ای صاحب قدرت و مقام صادر نشود؛ نمی‌توان انتظار داشت، که عاملیت و تأثیر را به مخاطب تزریق کند؛ لذا قدرت متکلم، زمینه تأثیر و عاملیت زبان را فراهم می‌سازد و در نتیجه آن، همه این کنش‌ها به میدان عاملیت و عمل در می‌آید (ملا ابراهیمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۸).

در نظریه کنش‌گفتاری سرل، پاره‌گفتار از اهمیت زیادی برخوردار است، هر چند تعریف جامعی از پاره‌گفتار بیان نشده، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد پاره‌گفتار، قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید آن است. این نظریه، انعطاف پژوهشگر را در تبیین فرایند ارتباطی در متن افزایش می‌دهد، چرا که از دیدگاه کنش‌های گفتار می‌تواند یک واژه، یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد، اما اصول و مبانی بررسی یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه طولانی یکسان است. پس می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷). پاره‌گفتارها بخشی از واحدهای زبانی هستند که در تجزیه و تحلیل متون ادبی از اهمیت بسزایی برخوردارند. و زبان‌شناسانی چون سرل در بررسی ساختارهای زبانی، بافت متنی و تحلیل گفتمانی به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. چون در هر بافت و سیاقی، عملی که با تولید پاره‌گفتارها بیان می‌گردد می‌تواند حاوی کنش‌های متعددی باشد کنش‌هایی که به مخاطب کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و ضمنی متن را به خوبی درک نماید.

۲. تحلیل کنش‌های گفتاری آیات بر مبنای دسته‌بندی سرل

۲-۱. کنش‌های اظهاری

این نوع کنش، تعهد گوینده نسبت به صدق گزاره مطرح‌شده را نشان می‌دهد. (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲) این کنش‌گفتاری دارای تناسب واژگان با جهان واقع است و گوینده بر صادق بودن پاره‌گفتارهایی که بر زبان جاری شده‌اند تأکید دارد و آن‌ها را شایسته اعتماد می‌داند (سیرل، ۲۰۱۲: ۲۶۱). افعال کنش اظهاری شامل تأکید کردن، معرفی کردن، ادعا کردن، تصریح کردن، بیان کردن، گزارش دادن، شرح دادن، تفسیر کردن و توصیف کردن است.

کنش اظهاری در آیات زیر برای بیان مدح و توصیف نوح(ع) به کار رفته است: ﴿إِنِّي لَكُم رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ (شعراء/ ۱۰۷)، من رسولی هستم که میان شما و خدا امینم و خیانت نمی‌کنم (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۰۷). این پاره‌گفتار نشان می‌دهد که نوح(ع) در میان مردم دارای صفت‌هایی با ارزش بوده‌است، به همین دلیل در وصف خویش می‌گوید من در انجام مأموریتم درخور اعتماد و خیرخواه هستم.

در آیه زیر نیز خداوند متعال ضمن بیان شکرگزاری نوح(ع) به مدح و ستایش وی می‌پردازد، پس از این جهت کنش متناسب با این پاره‌گفتار، اظهاری است: ﴿ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ (اسراء/ ۳) ای بنی اسرائیل! ای فرزندان کسانی که آنان را همراه نوح، سوار بر کشتی کردیم و نجات دادیم! همانا نوح، بنده‌ای بسیار شکرگزار بود شما هم مثل او باشید، تا نجات یابید (قرآنی، ۱۳۸۸: ج ۵، ۱۸).

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به معرفی نوح(ع) به عنوان بنده مؤمن

می‌پردازد همانند آیه: ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (صافات / ۸۱) او یعنی نوح از بندگان ایمان‌آورنده ماست. باید گفت: این آیه شامل ستایش همه مؤمنان است که نوح از میان آن‌ها بیرون آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۶۹۹). کنش‌گفتاری این تعبیر نیز اظهاری است، چون گوینده صدق این گفتار را نشان می‌دهد که نوح (ع) به قطع و یقین دارای این ویژگی است، اسمیه بودن و حرف تأکید "إِنَّ" گواه همین امر است. پس در آیات فوق، ذکر عبارت "إِنَّهُ" پذیرش بار معنایی آیات را برای مخاطب مسیر می‌سازد.

هنگام تحلیل این آیات از دیدگاه کنش‌گفتار سرل می‌توان دریافت که این پاره‌گفتارها در قالب خبر، بیان، اظهار و یقین‌گوینده است چون به روشنی می‌توان باور متکلم و عقیده وی را نسبت به شخصیت و ویژگی‌های نوح (ع) متوجه شد و نشان داد که صادق بودن این گزاره‌های خبری، کاملاً مشهود است. خداوند در این آیات، ویژگی‌های اخلاقی، صفات و رفتارهای خاص نوح (ع) را ارزش‌گذاری می‌کند. و به جای اشاره مستقیم به نوح (ع) از وی با صفات و خصلت‌های نیک یاد می‌کند. بنابراین کنش این آیات به کارکرد اظهاری مربوط می‌شود.

بافت و ساختار زبانی کلام، به مخاطب این امکان را می‌دهد تا مقصود گوینده را دریابد. تأکیدهایی که در پاره‌گفتار زیر وجود دارد مخاطب را در فهم و درک معنای ثانوی متن یاری می‌رساند: ﴿قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾ (شعراء / ۱۱۶) این سخن را در اواخر دعوت نوح گفتند و او را تهدیدی قطعی کردند، چون کلام خود را به چند وجه تأکید نمودند، (یکی لام در لئن، دوم لام در لتکونن، و سوم نون تأکیدی که در آخر لتکونن است) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۲۹۷). این تأکیدات، مخاطب را به تأمل و تدبر در باره معنای این آیه کریمه وا می‌دارد. کنش این آیه به واسطه قرینه‌هایی که در آن لحاظ شده، کنش اظهاری را تقویت نموده و در پی تقویت انجام عملی ایجاد شده است گوینده از این طریق تعهد خود را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد. بنابراین پاره‌گفتارهایی که همواره بر نکته‌ای تأکید دارند از مشخصه‌ای چون کنش اظهاری برخوردارند.

کنش اظهاری آیات ۱۵ تا ۲۰ سوره نوح نیز به توصیف جلوه‌هایی از آفرینش می‌پردازد. در این آیات به طور مفصل بیان شده که چگونه نوح (ع) قوم خود را به اطاعت و پیروی از خدا دعوت می‌نمود: ﴿لَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (۱۶) وَاللَّهُ أَنْتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸) وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹) لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا﴾ (۲۰).

نوح (ع) در برابر قوم خویش به توصیف نشانه‌های خدا در عالم آفرینش می‌پردازد و ضمن برشمردن نعمت‌های بزرگ خداوند، با این قوم لجوج اتمام حجت می‌کند اما باز هم این قوم، مسیر خود را ادامه می‌دهند و با دیده کفر و انکار به این نعمت‌ها می‌نگرند. این گونه به تصویر کشیدن چگونگی نظام آفرینش و بیان نعمت‌ها، نشانگر کنش اظهاری است

تا بار دیگر نعمت‌های بیکران خدادادی را برای گروه مخالفان یادآوری کند و به نوعی برای شناخت خدا و اثبات معاد دلیلی بیاورد. پس نوح(ع) در یک کنش توصیفی به معرفی خدا در عالم خالقت و بیان ابعادی از آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌پردازد تا شاید مخاطب به عظمت و قدرت خداوند متعال پی ببرد. در این گفتمان کاربرد افعال ماضی مانند (خلق، جعل، اُنبت) برای مخاطب، نوعی اطمینان بخشی به همراه دارد چون نوح(ع) واقعیت‌های عینی جهان خلقت را یادآور می‌شود واقعیت‌ها و نعمت‌هایی که قومش نسبت به آن آگاهی دارند. وضع بد و نا به سامان قوم خویش او را واداشت تا به چنین گفتمانی دست بزند. با تحلیل پاره‌گفتارهای فوق می‌توان دریافت که گوینده، کلام خود را با شرح و توصیف همراه نموده است. مخاطب در ابتدا متوجه نوعی اطمینان می‌شود زیرا گوینده قصد دارد مخاطب را با خود هم عقیده سازد که تمام این آفریده‌ها از آن خداوند است و تمام این اعمال از طرف وی صورت گرفته‌است.

۲-۲. کنش‌های ترغیبی

هدف این نوع کنش، قرار دادن مخاطب در حالت اجبار برای انجام عملی است. یعنی گوینده قصد دارد شنونده را به انجام کاری سوق دهد. از نمونه‌های این افعال: دستور دادن، خواهش کردن، درخواست کردن و... است (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲). افعالی چون التماس کردن، پافشاری کردن، توضیح خواستن، لازم بودن، بازخواست کردن، خواستن، تقاضا کردن، اعلام نیاز کردن و... از دیگر نمونه‌های کنش‌گفتاری ترغیبی به شمار می‌روند (نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶).

خداوند متعال در آیه اول با کنش‌گفتاری مستقیم، نوح(ع) را به حمد و ثنای خویش فرا می‌خواند چرا که نوح(ع) را از قوم ظالم و نافرمان رهایی بخشید: ﴿فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفَلَکِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا﴾ (مؤمنون/ ۲۸ و ۲۹).

کنش ترغیبی موجود در ساختار گفتمانی آیه ۲۸، نقش مهمی در انتقال مفاهیم تربیتی به مخاطب دارد. لازم بودن شکرگزاری در برابر نعمت‌های خداوند، پیامی تعلیمی است که از این کنش برداشت می‌شود. در این گفتگو خداوند در جایگاه متکلم و نوح(ع) در جایگاه مخاطب قرار گرفته از همین روی خداوند با صراحت کلام، نوح(ع) را که از بندگان مخلص خویش بود به شکرگزاری دعوت می‌کند. پس در این آیه، مخاطب در حالت تکلیف برای انجام عملی قرار گرفته است. در آیه بعد نیز فعل "أَنْزَلْنِي" از جمله افعالی است که در قالب درخواست مطرح شده‌است. در این آیه نیز خداوند به نوح تعلیم می‌دهد که تنها از درگاه خداوند تقاضا کند که او را در منزلی پر برکت فرود آورد. پس کنش ترغیبی هر دو آیه، حاوی پیامی تربیتی است که خداوند در خطاب به پیامبرش نوح(ع) به کار برده‌است.

نوح در حقیقت محتوای دعوت خود را در سه جمله خلاصه کرد: پرستش خدای یکتا، رعایت تقوا و اطاعت از قوانین و دستوراتی که او از سوی خدا آورده که مجموعه عقاید و اخلاق و احکام بود. سپس به تشویق آن‌ها پرداخته و نتایج مهم اجابت این دعوت را در دو جمله کوتاه بیان می‌کند و می‌گوید: اگر دعوت مرا اجابت کنید خداوند گناهان شما را می‌آمرزد (يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۵، ۵۸): ﴿أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَتَّقُوهُ وَأَطِيعُونَ﴾ * يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿ (نوح / ۳ و ۴).

دو تعبیر "يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى"، متضمن بشارتی است که نوح (ع) به قوم خود می‌دهد. از آن جایی که این پاره‌گفتار، در پی ترغیب و تشویق می‌باشد از این جهت، کنش متناسب با آیه ترغیبی است و یک نوع پیام هدایت برای مخاطب خلق می‌کند. کنش‌گفتاری آیه اول، عبادت، تقوا و اطاعت، در مخاطب ایجاد سؤال و رغبت می‌کند که چه عمل مهمی قرار است صورت گیرد که چنین شروطی قبل از آن بیان می‌شود. این کنش‌های گفتاری همه در خدمت کنش اصلی "يَغْفِرْ لَكُمْ" و "يُؤَخِّرْكُمْ" است تا مخاطب را در موقعیتی قرار دهد که با آمادگی کامل مشتاق دریافت خبر نهایی باشد. در این آیات، سخن از مخالفان در میان است که آمادگی پذیرش رهنمودهای پیامبر خویش را ندارند. بنابراین یکی از اهداف این آیات، ایجاد انگیزه در مخاطب جهت پذیرش بهتر کلام و اطاعت از دعوت گوینده است.

پس همان‌طور که از آیات فوق برداشت می‌شود شرایط تازه‌ای برای قوم نوح (ع) بیان شده و متکلم این پاره‌گفتار را ابراز می‌کند تا به مخاطبانش چند چیز مهم و با ارزش در آینده بشارت بدهد. متکلم، همواره قوم خویش را در حالتی میان اجبار، الزام و تکلیف برای رسیدن به یک امر مطلوب و ایده‌آل قرار می‌دهد. نوع بیان نوح (ع) با قوش از نوع درخواست است و با کلام خویش شرایطی به وجود می‌آورد تا مخاطب را به انجام عملی تشویق نماید.

در بخش‌های گوناگون داستان نوح (ع) یکی از بارزترین کنش‌های گفتاری ترغیبی، درخواست و تقاضاست. در پاره‌گفتاری چون این آیه شریفه: ﴿إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا﴾ (نوح / ۲۷) کنش ترغیبی این آیه درخواست نابودی برای کافران است. نوح (ع) همواره برای درخواست خود استدلال می‌آورد و می‌گوید: اگر از آنان باقی بگذاری بندگان تو را گمراه می‌کنند و فرزندان کافر و بدکار به دنیا می‌آورند. ظاهر این گفتار، خبری است یعنی کنش مستقیم آن نشانگر خبری بودن آن است اما کنش غیر مستقیم آن، درخواست و تقاضاست، پس این پاره‌گفتار از نوع خواهشی است یعنی به طور غیر مستقیم، هلاکت کافران را تقاضا نموده‌است. این شیوه استعمال جمله خبری، نمونه دیگری از کنش‌گفتاری غیرمستقیم است.

پس در این پاره‌گفتار، وجه امری به کار نرفته و به جای لحن و کلام دستوری از وجه خبری استفاده شده‌است تا ضمن بیان صفات اخلاقی قومش، عاقبت و نتیجه‌ی رفتار آن‌ها را هشدار دهد. و شاید عدم کاربرد فعل امر به این دلیل است که گوینده به پذیرش اندیشه‌اش ایمان و باور دارد. درخواست غیر مستقیم با استفاده از امکانات بافتی زبان می‌تواند از دلایل اصلی موفقیت گوینده در پیشبرد اهداف خود باشد. از همین روی از مستقیم بودن پیامش کاسته و تمرکز کلام را از فاعل (قومش) به موضوع کلام، یعنی بیان افعال، برخورد و صفات قومش متوجه ساخته‌است.

در تحلیل کنش‌های گفتاری هر متنی، توجه به بافت، موقعیت و بستریهای اجتماعی آن متن اهمیت زیادی دارد. با در نظر گرفتن بافت گفتمانی داستان نوح(ع) می‌توان دریافت که فرزندش (کنعان) از جمله کسانی بود که خداوند قبلاً وعده نابودی‌اش را داده بود، پس واجب بود که با هشدار و اخطار شدید به نوح بفهماند که آنها دیگر شایسته دعا و شفاعت نیستند. به همین جهت می‌فرماید درباره‌ی آنان با من سخن مگو: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوَحَيْنَا إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنْوِيرُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ﴾ (مؤمنون / ۲۷).

در جمله "لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ"، نوح(ع) را از سخن گفتن با خدا نهی می‌کند. این کنایه از نهی شدید از وساطت و شفاعت است، چون مخاطب را معلق بر "الذین ظلموا" کرده، و نهی را هم تعلیل کرده به این که "اینهم معرقون" پس گویا فرموده: من تو را نهی می‌کنم از اینکه با من درباره این کفار حرفی بزنی، تا چه رسد به اینکه وساطت کنی، چون خشم و غضب من شامل حال آنان شده‌است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵: ۳۰) این اخطار به خاطر آن بود که ممکن بود نوح تحت تأثیر عواطف انسانی یا عاطفه پدر و فرزندگی قرار گیرد و دوباره شفاعت آنها را از خداوند بخواهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۴: ۲۳۰). در این آیه کنش‌گفتاری غیرمستقیم برای اخطار و هشدار به کار رفته‌است. خداوند در خطاب به نوح(ع) می‌فرماید: درباره ظالمان با من گفتگو مکن چرا که سرانجام ظلم و نافرمانی آنها هلاکت و نابودی است.

۲-۳. کنش تعهدی

در این نوع کنش، گوینده خود را نسبت به انجام عملی در آینده متعهد می‌داند مانند قراردادهای وعده و وعیدها که در آن تعهد گوینده به انجام کاری در آینده مطرح است (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲)، مانند آیه شریفه: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾ (مریم / ۵۹). پس از آنان جانشینان بد و نالایقی آمدند که نماز را ضایع کردند و به دنبال هوس‌ها و شهوت‌ها بودند. پس به زودی آن قوم مشرک (کیفر) گناه خود را خواهند دید. به جای آنان قومی آمدند و جانشین ایشان شدند که آنچه را از آنان گرفتند

یعنی نماز و توجه عبادی به سوی خدای متعال را ضایع نموده و در آن سهل‌انگاری کردند، بلکه به طور کامل از آن روی برگرداندند، و در عوض از لذت‌ها پیروی نمودند، و سرانجام همان لذت‌ها، ایشان را از مجاهده در راه خداوند متعال و توجه به او بازداشت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴: ۷۸).

خداوند متعال به نوح (ع) و به کسانی که با وی در کشتی سوار شدند نعمت فراوانی ارزانی داشت. نوح همیشه با نهایت خشوع در مسیر الهی گام می‌نهاد و در تمام لحظات به عبادت و بندگی خدا می‌پرداخت. نوح (ع) از جمله پیامبرانی بود که پس از وی نسلی ناشایست وارد مسیر ضلالت و گمراهی شدند؛ نسلی که با پیروی از لذت‌ها و شهوات یاد خدا را فراموش کردند و از مسیر حق فاصله گرفتند. این گروه سرانجام به نتیجه اعمال ناشایست خود خواهند رسید. این آیه همواره به سرنوشت جانسپینان و نسل‌های غیر صالح اشاره دارد که مسیری غیر از مسیر برگزیدگان الهی (پیامبران) را در پیش گرفتند.

با توجه به کنش غیر مستقیم در عبارت "فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا"، گوینده با تهدید و وعده عذاب، تعهد خود را نسبت به انجام عملی در آینده نشان می‌دهد. وعده و وعیدها یکی از نمونه‌های بارز این نوع کنش‌گفتاری است که گوینده با تعبیر عبارت فوق خود را متعهد به انجام آن می‌داند. وقتی مخاطب قدرت بی‌نهایت الهی را دریابد به طور غیر مستقیم به این باور می‌رسد که خداوند هر وعده‌ای را که به بندگان خویش می‌دهد عملی می‌سازد چرا که خلف وعده از طرف کسی است که از قدرتی ناقص برخوردار باشد و چون چنین صفتی در خداوند راه ندارد قطعاً وعده‌های خود را محقق می‌سازد. به این ترتیب آیه مورد بحث دارای کنش تعهدی است.

۴-۲. کنش‌های عاطفی

گوینده در این نوع کنش، احساس و نظر خود را در مورد امر، وضعیت یا شرایطی بیان می‌کند مانند: سپاسگزاری، شکرگزاری، عذرخواهی، تبریک و ... (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲). هدف کنش عاطفی، بیان حالتی روحی- روانی است که شخص در آن سهیم شده و گوینده با بیان هر گزاره در شخص، احساسی به وجود می‌آورد. افعال کنش عاطفی شامل خشنود شدن، دشنام دادن، شکایت کردن، ناامید و دلسرد شدن، تحقیر کردن، اهانت کردن، تبریک گفتن، عذر خواهی کردن و ... می‌شود. با بررسی این ابزارها، شناخت کنش عاطفی متون تسهیل می‌شود.

کنش عاطفی موجود در ساختار گفتمانی داستان نوح (ع) نقش مهمی در انتقال مفاهیم تربیتی داستان به مخاطب دارد. به عنوان نمونه در این پاره گفتار آمده است: نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! همانا پسر من از خاندان من است و البته وعده تو درباره نجات خاندانم، حق است و تو بهترین داوران هستی. خداوند در پاسخ فرمود: ای نوح! او در واقع

از خاندان تو و نبوت نیست، او عمل ناشایستی مرتکب شده‌است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من درخواست مکن، همانا من تو را نصیحت می‌کنم که مبادا در زمره جاهلان باشی (هود/ ۴۵ و ۴۶). بعد از آنکه نوح(ع) فهمید که سؤال او سؤالی بوده که اگر ادامه پیدا می‌کرد، قطعاً منجر به درخواستی می‌شد که از واقعیت آن مطلع نبود و در نتیجه در زمره جاهلان قرار می‌گرفت. لذا زبان به عذرخواهی می‌گشاید (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۲۳۸) و قرآن از زبان او می‌گوید: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (هود/ ۴۷). حضرت نوح(ع) چون به نافرمانی فرزندش واقف گردید متوجه شد که دلسوزی و عاطفه پدری او را به شتاب واداشته و چیزی را که از حقیقت آن علم و آگاهی نداشته از خداوند درخواست کرده‌است، بنابراین با کمال تواضع و فروتنی از درگاه خداوند عذرخواهی و طلب مغفرت می‌نماید. بیان گزاره "رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ" احساس شرمندگی، ترس، ندامت و تسلیم شدن نوح(ع) در برابر خداوند متعال را نشان می‌دهد و با پناه بردن به خداوند که بهترین راه بیمه انسان در گرفتاری‌هاست، کنش عاطفی تأثیرگذاری به مخاطب ارائه می‌دهد. مفاهیمی که از این کارگفت به نمایش گذاشته شد، مخاطب را با شخصیت اصلی داستان همراه می‌کند.

در پاره‌گفتاری دیگر از آیات شریفه، محبت، رأفت، دلسوزی، شفقت و عاطفه پدری نوح(ع) نسبت به فرزندش را ملاحظه می‌کنیم؛ نوح(ع) از وظیفه خود دست نمی‌کشد و دلسوزانه به نصیحت و راهنمایی فرزندش می‌پردازد تا شاید بتواند او را از نابودی و هلاکت حتمی نجات دهد و وی را به راه حق رهنمون سازد. استعمال کلمه "بُنَى" برای افاده دلسوزی و مهربانی است که به آیه کنش عاطفی می‌دهد: ﴿وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود/ ۴۲).

لفظ "بُنَى" مصغر "ابن" و مضاف به یای متکلم است تا بر شفقت و مهربانی گوینده دلالت کند و به پسر بفهماند که پدرش او را دوست می‌دارد و خیر او را می‌خواهد. نوح فرزندش را صدا زد و گفت: ای پسرک من، با ما بر کشتی سوار شو و با کافران مباش و گرنه در بلا شریک آنان خواهی شد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۲۲۹). نوح امیدوار بود که سخنش در قلب سخت فرزند اثر کند، اما متأسفانه تأثیر همنشین بد بیش از آن بود که گفتار این پدر دلسوز تأثیر مطلوب خود را ببخشد: لذا این فرزند لجوج و کوتاه‌فکر به گمان اینکه با خشم خدا می‌توان به مبارزه برخاست، «فریاد زد پدر برای من جوش نزن، به زودی به کوهی پناه می‌برم که هرگز دست این سیلاب به دامنش نخواهد رسید و مرا در دامان خود پناه خواهد داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۹: ۱۰۰-۱۰۱). استفاده از گزاره‌ها با نقش‌های عاطفی، می‌تواند در جهت تأثیرگذاری بیشتر کلام و ایجاد بهترین تعامل و ارتباط با مخاطب به کار رود. طبق این آیه، مخاطب ممکن است با کنش عاطفی این پاره‌گفتار در احساسات واقعی و قلبی پدرش سهیم گردد و در نهایت ضمن درک اندوه عمیق پدرش، کلام وی نیز در روح

و جانش مؤثر واقع گردد. غیر مستقیم ساختن مفهوم تکلیف نیز از عوامل مؤثری است که گوینده با کاربرد گزاره‌های عاطفی به دنبال تحقق آن است. پس با توجه به بافت و موقعیت سخن، از کنش عاطفی به صورت درست، به جا و در جایگاه مناسب خود استفاده شده است. محبت، مهربانی و ترحم یکی از کنش‌های عاطفی است که در آیه فوق به خوبی نمایان است. و فعل ترغیبی نهی "لا تکن"، که در آیه فوق به کار رفته نشان می‌دهد که همچنان نگرانی و دغدغه فرزندش را دارد چرا که به خوبی از سرنوشت کافران آگاه است.

صبر و پایداری از دیگر کنش‌های عاطفی است که از آیه ۳۸ سوره هود برداشت می‌شود: ﴿وَيَضَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ﴾. نوح (ع) در حالی که کشتی را می‌ساخت مردم دسته‌دسته بالای سرش می‌آمدند و مسخره‌اش می‌کردند، و آن حضرت در برابر دعوت الهی خود و اقامه حجت بر علیه آنان، همه آن آزارها را تحمل می‌کرد، بدون این که سستی و انصرافی از خود نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۲۲۴) نوح (ع) در برابر حرف‌ها، فشارها و کنایه‌های مردم، با نهایت صبر و پایداری مأموریت خود را انجام می‌داد.

بعضی در تمسخر نوح می‌گفتند: کشتی به این بزرگی برای چه می‌خواهی، لا اقل کوچک‌تر بساز، که اگر بخواهی به سوی دریا بکشی برای تو ممکن باشد! می‌گفتند و می‌خندیدند و می‌گذشتند و این موضوع در خانه‌ها و مرکز کارشان سوژه بحث‌ها بود و با یکدیگر درباره نوح و کم‌فکری پیروانش سخن می‌گفتند! پیرمرد را تماشا کن آخر عمری به چه روزی افتاده است؟ حالا می‌فهمیم که اگر به سخنان او ایمان نیاوردیم حق با ما بود. اصلاً عقل درستی ندارد! اما نوح با استقامت فوق‌العاده‌ای که زائیده ایمان است با جدیت فراوان به کار خود ادامه می‌داد و بی‌اعتنا به گفته‌های بی‌اساس این کوردلان از خودراضی به سرعت پیشروی می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۹: ۹۲-۹۱). یکی از پرکاربردترین کنش‌های عاطفی در بخش‌های گوناگون دعوت نوح (ع)، صبر، استقامت و پایداری ایشان در برابر قوم لجوج و مشرک خویش می‌باشد.

نوح (ع) در پاره‌گفتاری چون این آیه شریفه می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾، گوینده این سخن نوح (ع) است، و منظور از این که گفت: "شب و روز ایشان را خواندم" این است که به عبادت خدا و تقوی و طاعت رسولشان فرا خواندم، و خواندن در شب و روز کنایه است از این که دائماً و به طور خستگی‌ناپذیر فرا خواندم. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰: ۲۹). در این آیه کنش‌گفتاری غیر مستقیم برای بیان صبر، استمرار، تلاش و خستگی‌ناپذیری نوح (ع) در برابر قومش به کار رفته است.

در تربیت و تبلیغ، صبر و پایداری لازم است: ﴿أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾ (عنکبوت/ ۱۴). این آیه پایداری نوح (ع) و سرسختی مردم را نشان می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۷: ۱۲۲).

در کارگفت آیه شریفه، به جای شرح و توضیح مستقیم، با ذکر عبارت ۹۵۰ سال، به صورت غیر صریح به تحمل، استقامت و پایداری نوح(ع) اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که ایشان مدت زمان زیادی به دعوت قومش پرداخت اما جز اندکی ایمان نیاوردند.

با توجه به گفته سرل آن دسته از سخنانی که به صورت ضمنی بیان می‌شود و به تأویل و تفسیر نیاز دارد، مانند سخنانی که به شکل استعاری یا کنایی بیان می‌شود. کنش گفتاری غیرمستقیم نامیده می‌شود:

کنش گفتاری غیرمستقیم این آیه، لجاجت، کبر و غرور قوم نوح(ع) است و این حالت از دیگر کنش‌های عاطفی است که در آیه شریفه به چشم می‌خورد: ﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ...﴾ (نوح / ۷). پاره گفتار "جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ" - معنایش این نیست که حقیقتاً انگشت در گوش خود فرو بردند، بلکه این تعبیر کنایه است از این که از شنیدن دعوت او استنکاف ورزیدند و معنای جمله "وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ"، هم هر چند این است که جامه خود به سر کشیدند تا مرا نبینند، و کلام را نشنوند، ولی این تعبیر هم کنایه از تنفر آنان و گوش ندادنشان به سخن وی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰: ۲۹). آیه فوق نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم بدبختی آنها استکبار و غرور بود، زیرا خود را بالاتر از این می‌دیدند که در برابر انسانی مانند خود هر چند نماینده خدا باشند و قلبش کانون علم و دانش و تقوا سر تسلیم فرود آورند، این کبر و غرور همیشه یکی از موانع مهم راه حق بوده و ثمره شوم آن را در تمام طول تاریخ بشر در زندگی افراد بی‌ایمان مشاهده می‌کنیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۵: ۶۴). کنش گفتاری غیرمستقیم این آیه، عواطف درونی نوح(ع) و قومش را به خوبی ترسیم می‌کند و با وجود این بار عاطفی، دریافت معانی پنهان آیه مسیر می‌گردد. از طرف دیگر، این آیه به بیان حال و توصیف وضعیت گروهی از منحرفان می‌پردازد، گروهی که به چنان مرحله‌ای از دشمنی و روی گردانی از خدا رسیده‌اند که به خود اجازه دیدن و شنیدن دعوت پیامبر خدا را نداده و همچنان در عدم ایمان به خدا مصمم هستند. این آیه به خاطر بیان حال این گروه از مشرکان و منحرفان، دارای کنش‌های اظهاری نیز می‌باشد. پس گزاره‌های دینی می‌توانند کنش‌های گفتاری گوناگونی داشته باشند.

بافت موقعیتی بعضی از آیات داستانی مرتبط با نوح(ع) به گونه‌ای است که نشان می‌دهد نوح(ع) در سخت‌ترین شرایط قرار گرفته و داستان به اوج خود می‌رسد: ﴿وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾ (نوح / ۲۶). نوح بعد از ۹۵۰ سال گفتگو، پافشاری، جدیت، تحمل سختی و عذاب متوجه می‌شود که تلاش‌هایش بی‌فایده است و قومش دعوت وی را نمی‌پذیرند به همین جهت با ناامیدی کامل زبان به نفرین قومش می‌گشاید. کنش عاطفی این آیه ناامیدی کامل نوح(ع) از قوم مشرک و لجوج خویش می‌باشد. این ناامیدی به حدی بر ایشان غلبه یافته که با زبان نفرین، نابودی قومش را از خداوند می‌طلبند. لذا با این سبک بیانی، کنش عاطفی کلام تقویت شده است.

کنش‌های عاطفی موجود در ساختار گفتمانی داستان نوح (ع) حاوی پیام‌ها و حالات روحی و روانی متعددی است. کنش عاطفی در این آیه بیانگر حزن و اندوه شدید نوح (ع) است: ﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ (هود/ ۴۵). نوح پروردگار خود را ندا کرد و فرموده: "وسأل نوح ربه" و یا "وقال نوح" و یا "ودعا نوح"، برای این است که نوح (ع) در آن لحظه دچار اندوه شدیدی از هلاکت فرزند خود بوده و از این تعبیر می‌فهمیم که آن جناب صدای خود را به استغاثه و دعا بلند کرده و این عکس‌العمل از کسی که دچار اندوه شدید باشد امری طبیعی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۲۳۲). نوح (ع) ناراحتی درونی خود را در برابر اتفاقی که کاری از دست انسان در مورد آن ساخته نیست، نشان می‌دهد. با توجه به این آیه، گوینده در معرض هیجانات و حالات شدید عاطفی قرار دارد و با یک حالت عاطفی نسبتاً قوی "ربّ-ابنی-اهلی" اندوه، دلسوزی و راستی احساسات و عواطفش را بیان می‌سازد. مقصود از صداقت، هماهنگی عواطف با شرایط صداقت این کنش است که با توجه به بافت و سیاق کلام آشکار می‌شود. در این آیه دلسوزی متکلم از یک طرف سبب بروز یک کنش عاطفی شده و از طرف دیگر با یک تاکتیک زبانی به دنبال خلق مفهوم محبت و دلسوزی است. پس این گزاره، خاستگاه و زمینه معنایی عاطفی دارد و با بیانی عاطفی نیز بیان شده است.

کنش عاطفی از جمله کنش‌هایی است که در فهم معانی ضمنی متن نقش مهمی ایفا می‌کند. به عنوان نمونه در پاره‌گفتاری چون آیه ۱۳ سوره نوح: ﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾، نوح (ع) در جهت توبیخ و سرزنش قومش فرمود: چه چیزی باعث شده که شما معتقد به عظمت خدا نمی‌شوید، و از عظمت خدا نمی‌ترسید، و این ترسیدن باعث شده که او را عبادت نکنید؟. در این آیه نداشتن رجا کنایه است از نومی‌دی، چون بسیار می‌شود که از نومی‌دی به طور کنایه به نداشتن رجا تعبیر می‌کنند، مثلاً وقتی کسی می‌گوید "لا أرجو فيه خيراً" - من امید خیری در او ندارم"، معنایش این است که من از این که در او خیری باشد مأیوسم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰: ۳۱). گاهی اوقات جملاتی مانند آیه فوق حالت پرسشی دارند اما این نوع کنش‌گفتاری نشانگر تلاش گوینده برای برانگیختن مخاطب به پاسخگویی و دادن اطلاعات مورد نیاز نیست بلکه در جهت توبیخ و نفی عقاید و پندارهای بی‌اساس مشرکین است. پس منظور اصلی متکلم از طریق یک سری استدلال منطقی دریافت می‌شود و هدف ارتباطی گوینده نیز محقق می‌شود. همان طور که مشاهده می‌شود این پاره‌گفتار به صورت پرسشی مطرح شده است اما ماهیت این نوع کنش، در جهت ملامت قوم نوح (ع) است چرا که سلاح توبیخ و سرزنش، لازمه عملی است که آنان در برابر پیامبر خدا مرتکب شده‌اند و عمل این قوم، چنین کنشی را می‌طلبد تا شاید آنان را از ادامه نافرمانی خدا باز دارد.

۵-۲. کنش اعلامی

این کنش‌ها شامل کنش‌هایی هستند که به محض بیان آن‌ها در جهان بیرون تغییراتی واقعی به وجود می‌آید و با گفتار گوینده شرایط متحول می‌شود (سیرل، ۲۰۱۱: ۳۲). هدف کنش اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است، این نوع کنش زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت لازم را داشته باشد. چند نمونه از افعالی که دارای این نوع کنش هستند، عبارتند از: آغاز کردن کار، پایان دادن کار، انتصاب کردن، اعلام کردن و به کارگماردن و... (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۹).

در آیه ۱۴ سوره عنکبوت، خداوند با صراحت اعلام می‌کند که فرستادن نوح (ع) و مأموریت وی از طرف خداوند بوده است. پس در همان ابتدا مهر تأییدی بر آیین و دعوت الهی نوح می‌زند و نافرمانی، احتجاج و عقاید قوم نوح را باطل می‌کند. بنابراین کنش مرتبط با این آیه اعلامی است تا به مشرکان این آگاهی را بدهد که تمام هستی در دست قدرت اوست: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (عنکبوت/ ۱۴).

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم تا آنان را به یگانگی و ایمان به خداوند جهان دعوت کند. پس در بین آنها ۹۵۰ سال زندگی کرد و به سوی آئین توحید دعوت نمود اما از او نپذیرفته و انکارش نمودند. پس طوفان آنان را گرفت «همان طوفان معروف نوح» که نتیجه اعمال و کفر آنان بوده و در نتیجه هلاک شدند و به خود ستم نمودند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۴۳۳). کنش اعلامی این آیه به آغاز و پایان مأموریت مهم نوح (ع) اشاره دارد. این پاره‌گفتار با گزاره خبری یعنی با ارسال نوح (ع) به سوی قومش و بعثت وی جهت دعوت به اطاعت از خدا آغاز شده و با بیان کنش اعلامی غیر مستقیم یعنی طوفان که نتیجه قهر الهی نسبت به ستمگران و کافران است، پایان یافته است.

﴿قَالَ سَأُوۡىٰٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَّعۡصِمُنِي مِنَ الْمَآءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوۡمَ مِنۡ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِلَّا مَن رَّجِمَ ۗ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ﴾ (هود/ ۴۳). نوح (ع) چون از مشکلات و خطرات راه آگاه است در لحظات پایانی نیز به ارشاد و نصیحت فرزندش می‌پردازد تا کفر و ناسپاسی خدا را کنار بگذارد و مشمول رحمت الهی قرار گیرد اما او در پاسخ به پدرش با غرور این گونه اعلام می‌کند که بالای کوه می‌روم، کوه مرا از خطر آب حفظ می‌کند. چراکه گمان می‌کرد کوه‌های محکم و استوار او را از قهر خداوند (غرق شدن در آب) نجات می‌دهد. پس می‌توان دریافت که فرزند نوح با این کوتاه‌فکری اعلام می‌دارد که از پدرش دوری می‌جوید و با رد فرمان او، برای همیشه نافرمانی خدا را در پیش می‌گیرد. کنش به‌کاررفته در این پاره‌گفتار، کنشی اعلامی همراه با کنش عاطفی است. فرزند نوح (ع) کنش‌های عاطفی پدرش را با صراحت کلام و اعلام عدم ایمان به خدای یکتا پاسخ می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی پاره‌گفتارها نشان می‌دهد که زمینه غالب داستان قرآنی نوح(ع) از نوع کنش‌های اظهاری و عاطفی است و این دو نوع کنش، برتری قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر کنش‌ها دارند. براساس نظریه سرل کنش‌های به‌کاررفته در داستان، بیشتر در پی بیان دعوت به اطاعت از خداوند یکتا و انبیای الهی، معرفی خداوند، توصیف عالم خلقت و شرح و بیان حالات نوح(ع) در برابر خداوند و قومش می‌باشد. هدف نوح(ع) در آیات بیان‌شده، گزارش دادن و بیان کردن اتفاقات و ماجرای تاریخی دعوت قومش در جهت ایمان به خداست. به همین جهت دعوت خود را در قالب گزاره‌هایی بیان می‌کند که بیش از هر چیز دارای خصلت توصیفی و اخباری‌اند. برخی از پاره‌گفتارها نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم بازتاب‌دهنده عواطف نوح مانند حزن و اندوه شدید، عذر خواستن، صبر و تحمل، محبت و دلسوزی وی نسبت به قومش می‌باشد.

از نمونه‌های برجسته کنش اعلامی، اعلام آغاز ارسال نوح(ع) به سوی قومش و پایان رسالت و مأموریت وی با قهر و عذاب الهی و اعلام رد فرمان نوح(ع) و عدم ایمان به خدا از طرف نسل‌های غیر صالح به ویژه فرزند نوح است.

دعوت نوح(ع)، گفتمان زمانه وی را تفسیر می‌کند؛ پیشنهاد دعوت قومش به اطاعت از خدا یکی از مهم‌ترین محتوای ارتباطی نوح با قوم لجوج و مشرک خویش است.

یکی از بارزترین کنش‌های گفتاری ترغیبی، درخواست و تقاضا برای اطاعت از دعوت گوینده و درخواست هلاکت و نابودی برای کافران است؛ آن جایی که نوح در خطاب به قومش می‌گوید اگر خدا را عبادت کنید و تقوای الهی پیشه کنید گناهان شما را می‌آمرزد. پس ایجاد انگیزه در مخاطب جهت پذیرش بهتر کلام و اطاعت از دعوت گوینده است.

تعهد گوینده نسبت به این که مشرکان و نسل‌های غیر صالح در آینده کیفر گناه خود را خواهند دید، از نمونه‌های کنش‌های گفتاری تعهدی است. این نوع کنش در آیات داستانی دارای کمترین بسامد است.

از جمله کارکردهای مهم کنش‌های سرل، تبیین و تحلیل دقیق صورت‌ها و ساخت‌های زبانی در جهت کشف لایه‌های پنهان و معانی ضمنی گزاره‌های دینی است. این کنش‌ها توانسته‌اند نقشه‌ای جامع از دلالت‌ها و ساختار آیات داستان نوح(ع) را به تصویر بکشند.

پاره‌گفتارهای این داستان می‌توانند کنش‌های متعددی را در بر گیرند که با توجه به بافت آیات، کنش واقعی بسیاری از این پاره‌گفتارها مشخص می‌شود.

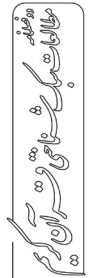
کتابنامه

- قرآن کریم.
- البرزی، پرویز (۱۳۹۲ش). مبانی زبان‌شناسی متن، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسینی معصوم، محمد و رادمرد، عبدالله (۱۳۹۴ش). «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم». دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۵-۹۲.
- دایک، فان (۲۰۰۱م)، علم النص مدخل متداخل الاختصاصات، ترجمه و تعلیق سعید حسن بحیری، القاهرة: دار القاهرة للكتاب.
- دست‌آموز، سعیده و محمدی، محمدرضا (۱۳۹۵ش). «بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفتگو از منظر زبان روسی». مجله جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۹-۵۷.
- زرقانی، مهدی و اخلاقی، الهام (۱۳۹۱ش). «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش‌گفتار»، مجله ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال سوم، شماره ۶، صص ۶۲-۸۰.
- سیرل، جون (۲۰۰۹م). القصدیه بحث فی فلسفه العقل. ترجمه أحمد الأنصاری، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیرل، جون (۲۰۱۱م). العقل واللغة والمجتمع: الفلسفة فی العالم الواقعی، ترجمه و تقدیم: صلاح إسماعیل، الطبعة الأولى، القاهرة: المؤسسة المصریة العامة للكتاب.
- سیرل، جون (۲۰۱۲م). بناء الواقع الاجتماعی من الطبيعة إلى الثقافة. ترجمه و تقدیم حسنه عبدالسمیع، مراجعه إسحاق عبید، القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاظم صادق، مثنی (۲۰۱۵م). أسلوبیة الحجاج التداولی والبلاغی، بیروت: منشورات ضفاف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ملا ابراهیمی، عزت و دیگران (۱۴۰۱ش). «کنش‌گفتاری سرل در گستره کاربردشناسی زبان: مطالعه موردی سوره یاسین»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- میرهاشمی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۷ش). «تحلیل مضمون‌های تعلیمی گلستان بر بنیاد نظریه کنش‌گفتار سرل»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۱۵، شماره ۶۰، صص ۱۴۱-۱۷۶.
- نجفی ایوکی، علی و دیگران (۱۳۹۶ش). «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه کنش‌گفتاری سرل»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۲-۱۷.
- نحله، محمود (۲۰۰۶م). آفاق جدیدة فی البحث اللغوی المعاصر، الإسکندریة: دار المعرفة الجامعیة.
- یول، جورج (۱۳۷۴ش). نگاه به زبان: یک بررسی زبان‌شناختی، ترجمه: نسرین حیدری، تهران: سازمان سمت.

Bibliography

- Holy Quran.
- Alborzi, Parviz (2012). *Fundamentals of Text Linguistics*, second edition, Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian].
- Hosseini Masoom, Mohammad and Radmard, Abdullah (1394SH). "The effect of time-spatial context on the analysis of speech acts, comparison of the frequency of speech acts in the Meccan and Madani surahs of the Holy Quran". *Bimonthly Journal of Linguistic Essays*, Volume 6, Number 3, pp. 65-92. [In Persian].
- Dike, Fan (2001), *The Science of the Text of the Interspersed Text of Al-Khatisaat*, translated and edited by Saeed Hassan Behiri, Cairo: Dar Cairo Bookstore. . [In Arabic].
- Daštmoz, Saeeda and Mohammadi, Mohammadreza (1395SH). "Investigation of the effect of indirect speech acts with question structure on the conversation process from the perspective of the Russian language". *Journal of Linguistic Studies*, Volume 7, Number 1, pp. 39-57. [In Persian].
- Zarkhani, Mahdi and Akhli, Elham (1391SH). "Analysis of Shatah genre based on speech act theory", *Al-Zahra University Mystical Literature Magazine*, third year, number 6, pp. 62-80. [In Persian].
- Searle, Jon (2009). *The intention of discussion in the philosophy of reason*. Translated by Ahmad Al-Ansari, Beirut: Dar Al-Katb al-Arabi. . [In Arabic].
- Searle, Jon (2011). *Al-Aql, al-Lagha, and Al-Mujataf: Philosophy in the real world*, translated and presented by: Salah Ismail, first edition, Cairo: Al-Masriyyah Al-Masriyyah Al-Kattab. . [In Arabic].
- Searle, June (2012). *According to social reality, nature is culture*. Translated and presented by Hasna Abdul Sami, reviewed by Ishaq Obeid, Cairo: Al-Masriyya General Book Authority.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (2018). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, second edition, Beirut: Al-Alami Foundation for Press. . [In Arabic].
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372SH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, third edition, Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian].
- Qaraeti, Mohsen (1388SH). *Tafsir Noor*, Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center. [In Persian].
- Kazem Sadegh, Mushani (2015). *Al-Hajj al-Taladili al-Balaghi style*, Beirut: Zafaf publications. . [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Nasser (1371SH). *Tafsir al-Nash*, 10th edition, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah. [In Persian].
- Mullah Ebrahimi, Ezzat and others (1401 AD). "Serrel's speech act in the field of language pragmatics: a case study of Surah Yasin", *Research Journal of Qur'anic Interpretations*, Volume 4, Number 7, pp. 143-166. [In Persian].
- Mirhashmi, Morteza and others (2017). "Analysis of educational themes of Golestan based on Searle's speech act theory", *Literary Research Quarterly*, year 15, number 60, pp. 141-176. [In Persian].

- Najafi Ayuki, Ali and others (1396SH). "Textological analysis of Shaqshaqiyah's sermon based on Searle's speech act theory", Nahj al-Balagha Research Quarterly, Year 5, Number 19, pp. 2-17. [In Persian].
- Nahla, Mahmoud (2006). New horizons in contemporary linguistic research, Alexandria: Dar al-Marafa al-Jama'iyah. . [In Arabic].
- Yule, George (1374SH). Looking at language: a linguistic study, translated by: Nasrin Heydari, Tehran: Samt organization. [In Persian].



سال هشتم

شماره اول

پیاپی: ۱۴

بهار و تابستان

۱۴۰۳